

طلاق یک آسیب نیست، بلکه نشانه آسیب است



عکس: monazereh.ir

آسیب‌های خانواده از جایی آغاز می‌شوند که سیاست‌گذاران و سیاست‌ها قصد حفظ قالب سنتی خانواده را دارند، برای مثال می‌توان به تاکید بیش از حد بر نقش نان‌آوری مردان و نقش مادری زنان، تاکید بر ازدواج در سنین پائین و غیره اشاره کرد.

های سنتی و حاکمیت‌های مختلفی از متخصصین، گروه، گفت: امروزه گروه [فرارو](#) سپیده اکبرپوران کارشناس اجتماعی در گفتگو با ایران در حال فروپاشی است، این در حالی است که باید گفت خانواده همچنان هسته سخت جامعه "خانواده" کنند که موجود گمان می‌ایران است. بسیاری از مواردی که به عنوان آسیب‌های خانواده در ایران از آن‌ها سخن گفته می‌شود، نشانه‌های آسیب هستند و نه خود آسیب. به عبارت دیگر ما علائمی از درد را در بسیاری از آسیب‌های اجتماعی می‌بینیم که به خودی خود درد محسوب نمی‌شوند.

اکبرپوران در رابطه با آسیب‌هایی که در خانواده ایرانی وجود دارند، ادامه داد: آسیب‌های خانواده از جایی آغاز می‌شوند که سیاست‌گذاران و سیاست‌ها قصد حفظ قالب سنتی خانواده را دارند، برای مثال می‌توان به تاکید بیش از حد بر نقش نان‌آوری مردان و نقش مادری زنان، تاکید بر ازدواج در سنین پائین و غیره اشاره کرد.

وی ادامه داد: این در حالی است که اگر بخواهیم جایگاه خانواده را در جامعه حفظ کنیم، باید این نهاد را با ارزش‌های جدید هماهنگ کنیم. برای مثال وقتی زن خانواده قصد دارد وارد جامعه شود، باید تقسیم کار سنتی و مورد انتظار از زن تغییر پیدا کند. این در حالی است که طبق اشکال و تکالیف پیشین خانواده، اگر زنی در کنار همسرش به کار در جامعه اشتغال داشته باشد، باید همچنان در خانه نیز نقش‌های سنتی زنانه خود را ایفا کند. این امر نشان‌دهنده عدم تطبیق اشکال امروزی خانواده با اشکال پیشین آن است.

این کارشناس با اشاره به ازدیاد طلاق در جامعه و اینکه مسئله طلاق فی‌نفسه یک آسیب نیست، گفت: هنگامی که خانواده نتواند با ارزش‌های امروزی تطبیق پیدا کند و ممانعت‌های حقوقی و مدنی از طلاق جلوگیری کنند، هزینه و فشار بر روی فرد، آسیب جدیدی را به های دیگری مانند از بین رفتن مشروعیت خانواده در نگاه زن و تواند مولد آسیب کند، که این آسیب خود می‌آید نام "طلاق عاطفی" نام مرد، اطرافیان و یا فرزندان آن خانواده شود.

اکبرپوران گفت: فشارهای ناشی از جدایی بر روی زوجین امری است که باید آن‌ها را کاهش داد. شرایط جامعه باید به نحوی باشد که فرد برای طلاق گرفتن هزینه‌های گزاف اجتماعی متحمل نشود و همین‌طور ازدواج‌های پس از طلاق باید سهل شوند.

وی ادامه داد: جامعه در طی سال‌ها به سمتی حرکت کرده است که در بخش زیادی آمادگی پذیرش تغییرات را دارد. یکی از این تغییرات تغییر در نگاه به روابط میان دو جنس و ازدواج و طلاق است، که هرچند دیدگاه‌ها نسبت به آن تغییر کرده است، اما نگاه موجود حاکمیت و سیاست‌گذاران به این افراد نگاهی غیرطبیعی است.

اکبرپوران گفت: برای این که بتوانیم بسیاری از مسائلی که از آن به عنوان مسئله و مشکل اجتماعی نام برده می‌شود (مانند افزایش سن ازدواج، افزایش طلاق، افزایش خانواده‌های تک‌نفره) را مدیریت کنیم، باید خانواده را با اشکال امروزی و جدید تطبیق دهیم. نقش زن و مرد نباید نقش‌هایی تقلیل یافته به اشکال و تصورات سنتی باشد.

این کارشناس در ادامه گفت، آموزش‌های پیش از ازدواج می‌تواند برای بهبود وضعیت خانواده تاثیر زیادی داشته باشد، هرچند مسائل صرفاً به آموزش ختم نخواهد شد. یکی از مشکلات عمده در جامعه ما، پایین بودن مهارت برای برقراری ارتباط‌های انسانی است. مهارت‌های عاطفی نیز به این دلیل که به حوزه خصوصی افراد مربوط می‌شود، کمتر از آن سخن به میان می‌آید و آن نیز پایین است.